طبیعت

تهران و چنارهایش

■ تهران قدیم و درخت چنار، دو یار دیرین یکدیگر هستند که هر کس مختصری از تاریخ تهران اطلاعی داشته باشد، می‌داند که چنار نماد استواری از شهر تهران است، به قولی این دو یار غارند. شهرت چنارهای تهران مربوط به دوران صفویه است که حتی عده‌ای از خارجیانی که آن دوره به ایران می‌آمدند از شهر تهران به چنارستان یا شهر چنارها یاد می‌کردند. در دوران سلطنت شاه عباس غرس درخت چنار در تهران باب شد و شهرت این چنارهای شاه‌عباسی را همه مورخان می‌دانند. در تهران در محدوده حصار صفوی یعنی از خیابان ری تا خیابان شاهپور (وحدت اسلامی) و از خیابان امیرکبیر تا خیابان مولوی، چنارهای کهنسالی بوده است که برخی از آنها هنوز هم وجود دارند و سایر چنارها در ارگ سلطنتی و تعدادی در امامزاده‌ها و اطراف آنجا قرار دارند.

معروف‌ترین چنارهای تهران قدیم

چنارهای اطراف گود زنبورک خانه: در جنوب محله بازار در کوچه گود زنبورک خانه، چنارهای کهنسالی به چشم می‌خورند که از دوران قاجاریه تا به امروز پابرجاست.

چنار عباسعلی: این درخت چنار در دوران ناصری، چنار کهنسالی بود که با خواب‌نما شدن یکی از زنان گیس سفید اندرون این چنار مقدس شد تا آنجا که به امامزاده عباسعلی معروف شد و دور آن را نرده‌ای سبزرنگ کشیدند و از آن پس زنان و حاجتمندان بر شاخه‌های این درخت دخیل می‌بستند و حاجت‌شان را می‌خواستند که سرانجام برای احداث ابنیه جدید در ارگ از بیخ و بن آن را کندند و از میان بردند.

چنار خونبار: در محله پاچنار بازار، حوالی بقعه امامزاده سیدولی، درخت چناری وجود داشت که اگر با جسم برنده‌ای مثل چاقو پوست آن را می‌شکافتند، مایعی شبیه خون از آن بیرون می‌زد که اکنون دیگر وجود خارجی ندارد وجه تسمیه نام پاچنار از آن چنار است.

چنار پنجعلی: این چنار در حوالی عمارات غربی وزارت دارایی کنونی قرار داشت که زایران پنجعلی را برای حاجت‌روایی به آن می‌بستند بنابراین به این نام شهرت یافت.

چنارهای عباسی یا شاه عباسی: چنارهایی بوده که به فرمان شاه عباس صفوی در ارگ سلطنتی که در آن دوره به چهارباغ معروف بوده، کاشته شده است که برخی از آنها هم‌اکنون در محوطه کاخ گلستان و اطراف آن وجود دارند.

چنارهای امامزاده یحیی: این چنارها که در محوطه امامزاده قرار داشت، از چنارهای قدیمی در تهران محسوب می‌شد.

چنار قریه بریانک: چنار بسیار قدیمی این آبادی که هفت شاخه دارد به هفت چنار شهرت یافته است که در میان مردم وجهه مقدسی پیدا کرده است.

چنار امامزاده صالح: این چنار به گفته مادام دیولا فوا فرانسوی، چنار عجیب و غریبی است که کمتر نظیر آن در دنیا پیدا می‌شود که گفته می‌شود بی‌شک از شاهکارهای خلقت پروردگار بوده که قبل از همجواری امامزاده وجود داشته است که چندین افسانه را به خود اختصاص داده است که متاسفانه در چند سال گذشته از بیخ و بن کنده و از صفحه روزگار محو شده است.

چنارهای باغ فردوس: این باغ که مربوط به دوره ناصری است، چنارهای باقدمتی دارد که مورخان تخمین زده‌اند که پیش از مالکیت معیرالممالک وجود داشته است.

چنارهای باغ امین‌السلطان: باغ امین‌السلطان که امروزه به‌نام پارک قیطریه و محله قیطریه معروف شده است، از آن میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان، صدراعظم ناصرالدین‌شاه بود. وقتی وی این اراضی را خرید در بخش بزرگی از باغ، عماراتی بنا کرد و نیز درختانی غرس نمود اما چنارهای این محل مخصوصا آنهایی که در مرکز پارک قرار دارد، به گفته مورخان قدمت بیشتری از دوران امین‌السلطان دارد.

چنارهای خیابان ولیعصر: از نمادهای ارزنده و بی‌نظیر طولانی‌ترین خیابان پایتخت، چنارهای این خیابان محسوب می‌شود که به فرمان پهلوی اول غرس، آبیاری و نگهداری شده است که حدود ۸۰ سال از عمر آنها می‌گذرد و جزو میراث طبیعی شهر تهران به شمار می‌رود.

برگرفته از کتاب برگ‌هایی از تاریخ تهران

عکس: مهدی حسنی، شرق

گل‌فروشی زعیم در گذر زمان

مظفرالدین‌شاه و گل صدتومنی

فرزانه خراسانچی

وقتی صحبت از گل و گل‌فروشی می‌شود و تهرانیان قدیم همه یکجا را می‌شناسند؛ گل‌فروشی زعیم در میدان پاستور.

در دل این میدان در نزدیکی کاخ مرمر، اطراف خانه‌های سلطنت‌نشین و اعیان در دوران تهران قدیم شما با بزرگ‌ترین و باقدمت‌ترین موسسه کشاورزی و فروشگاه گل‌فروشی زعیم آشنا می‌شوید که یک راسته در میدان را به خود اختصاص داده است. این فروشگاه در پنج سال گذشته، دکوراسیون و نمای آن توسط معماران برجسته مورد مرمت و بازسازی قرار گرفته است اما باز هم این مغازه، برای تهرانیان قدیم، شناسنامه‌ای تاریخی دارد.وقتی پا به درون این فروشگاه می‌گذارید با سه سالن مجزا به نام سالن اصلی که مختص گل‌فروشی، گالری و گلخانه است، مواجه می‌شوید که نظیرش را در سایر گلفروشی‌ها کم دیده‌اید.

موسسه کشاورزی زعیم در سال ۱۳۱۹ به همت زعیم بزرگ مرحوم سیدحسین زعیم (۱۳۷۵-۱۲۹۹) تاسیس شد که ابتدا با کاشت نهال و درختچه‌های زمینی آغاز و بعدها در دهه ۳۰ شروع به کاشت گل‌های مناطق حاره‌ای مثل ارکیده، آنتوریم و استرلیز کرد. بازگشایی فروشگاه زعیم نیز در دهه ۴۰ است. این موسسه در سال ۱۳۶۵ صادرات خود را به اکثر نقاط جهان آغاز کرد و در سال ۱۳۷۸ به عنوان صادرکننده نمونه انتخاب شد که این گل‌فروشی به دلیل قدمت آن مطالب جالب توجهی را در روزنامه‌های خارجی از جمله لس‌آنجلس‌تایمز نیز به خود اختصاص داده است. این موسسه، هفتاد و یکمین سال تاسیس خود را سپری می‌کند.

گل‌فروشی در تهران قدیم

به گفته سیدعلی زعیم، پسر زعیم بزرگ که هم‌اکنون مدیریت این موسسه را در اختیار دارد، آشنایی تهرانیان با گل به دوران مشروطیت و سلطنت مظفرالدین‌شاه بازمی‌گردد. در پی یکی از سفرهای مظفرالدین‌شاه به فرنگ و آشنایی با گل‌کاری و گیاهان زمینی در اطراف قصرهای پادشاهان اروپایی، از امپراتور وقت آلمان درخواست کرد تا زبده‌ترین باغبان‌شان را در اختیار مظفرالدین‌شاه بگذارد.

ژرژ پطرویا، هدیه امپراتور آلمان به مظفرالدین‌شاه بود. وی در صدد برآمد تا فضای سبز و گل‌کاری در محدوده کاخ گلستان ایجاد کند. پس از آن بود که گل‌فروشی نه به شکل امروزی بلکه به صورت دکه‌هایی در اطراف منطقه شاه‌آباد حد فاصل مخبرالدوله و بهارستان، قوام‌السلطنه شکل گرفت. اکثر مشتریان این دکه‌ها، سران حکومتی، دربار و خارجی‌ها بودند. چرا که به دلیل فقر مالی و فرهنگی تهرانیان قدیم، هیچ‌وقت احساس نمی‌کردند که به گل نیازمندند.

تاریخچه فروشگاه زعیم

خرید و راه اندازی فروشگاه گل‌فروشی زعیم که امروزه به عنوان یک اسم ملی در تاریخ گل‌فروشی به ثبت رسیده است طبق گفته‌های زعیم کاملا به صورت اتفاقی بوده است. زعیم درباره این موضوع می‌گوید: «پدر من از سال ۱۳۱۹ موسسه کشاورزی زعیم را به راه انداخت اما در صدد احداث گل‌فروشی و مغازه نبود. در پشت این فروشگاه، خانه‌ای خرید که محل سکونت خانواده‌اش بود بعدها صاحب ملک روبه‌رویی منزل ما در صدد برآمد که در زمینش، پمپ بنزین احداث کند و پدرم به دلیل ناامنی و ایجاد آلودگی که پمپ بنزین در این منطقه ایجاد می‌کرد به هر قیمتی که بود این ملک را خرید و بعد به مرور زمان به گل‌فروشی تبدیل‌اش کرد و چندین معمار تحصیلکرده رم را مجری طراحی این فروشگاه کرد.» در دوران سلطنت پهلوی، به دلیل آنکه میدان پاستور به عنوان محله اعیان‌نشین درباریان شناخته شده بود به تبع مشتریان این گل‌فروشی نیز خاص بودند اما امروزه به دلیل مرکزیت قرار گرفتن میدان پاستور و طرح ترافیک و مشاغلی که هیچ‌گونه هماهنگی با گل‌فروشی ندارند از قبیل پنچرگیری و تراشکاری، تاثیر زیادی روی بازار این گل‌فروشی گذاشته است اما سیدعلی زعیم اظهار دارد که به دلیل قدمت و سرویس خاصی که به مشتریانشان ارایه می‌دهند استقبال از این گل‌فروشی بسیار است که نمونه قابل توجه آن در مراسم یادبود و درگذشت ناصر حجازی بوده که مشتریان سبد گل‌های بسیاری به این گل‌فروشی سفارش داده بودند.

از مشتریان معروف این گل‌فروشی تاریخی، هویدای معدوم، نخست‌وزیر ۱۳ساله پهلوی دوم بوده است که به طوری که شایع است وی هر روز از این مغازه گل ارکیده‌ای را تهیه می‌کرد تا روی جیب کتش بگذارد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اکثرا سیاستمدارها، وزرا، نمایندگان مجلس و رییس‌جمهوران پیشین از مشتری‌های این فروشگاه بوده‌اند.

زعیم ادامه می‌دهد: «گل مایه ارتباط‌های قلبی در عشق، امور سیاسی و تجاری است. سلیقه تهرانیان در این ۷۰سال بسیار تغییر کرده است. نسل جدید اکثرا به گل‌های مدرن با رنگ‌های ملایم و نسل قدیم هنوز به رنگ‌های گرم علاقه‌مند هستند. اما سلیقه اعظم مردم این زاد و بوم گل رز است که گل رز به عنوان گل مادر نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای دیگر هم محسوب می‌شود.»

از دیگر موارد قابل توجه این است که فروشگاه زعیم از معدود فروشگاه‌هایی است که به فروش گل مصنوعی نمی‌پردازد و علاقه‌ای هم ندارد و تا به حال هیچ نوع گلی را وارد نکرده است. بلکه فقط به وارد کردن پیاز، بذر یا قلم‌های جدید پرداخته است.

خاندان زعیم

خاندان زعیم اصالتا کاشانی هستند. زعیم بزرگ متولد کاشان بوده است که بعدها به تهران می‌آید و تجارتش را در تهران شروع می‌کند. دایی زعیم بزرگ، سیدحسن زعیم از مردان سیاسی بزرگ کاشان به شمار می‌رفت که در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای ملی، نماینده مردم کاشان و از مخالفان سرسخت رضاخان بوده است که به دلیل سیلی که به صورت رضاخان می‌زند، ۱۷ سال را در تبعید به سر می‌برد.

وی جمله‌ای را به عنوان یادگار از خود به جای گذاشته است: «شاه می‌تواند نادان باشد، اشتباه کند، بی‌تجربه باشد، ترسو باشد ولی خائن نمی‌تواند باشد، وی سرانجام در سال ۱۳۲۹ آن‌طور که گفته‌اند با قهوه قجری مسموم شد و درگذشت.»

پیدایش گل صدتومنی

از سیدعلی زعیم خواستم خاطره‌ای جالب توجه در زمینه گل و گل‌فروشی در تهران قدیم بیان کند و وی خاطره‌ای از پیدایش گل صدتومنی که مخصوص فصل بهار است، تعریف کرد: «ژرژ پطرویا که در زمان کودکی‌ام وی را دیده بودم، غده پیاز یک نوع گل را با خود از فرنگ به تهران می‌آورد و در یک نقطه از کاخ گلستان می‌کارد. این ریشه، گل می‌دهد و مظفرالدین‌شاه به شدت تحت تاثیر این بو قرار می‌گیرد و زمانی که متوجه می‌شود که کار پطرویا است به وی به عنوان قدردانی در آن زمان ۱۰۰ تومان پاداش می‌دهد که این بخشش در تهران مثل توپ صدا می‌کند و از آن به بعد این گل به گل صدتومنی معروف می‌شود.»

قصه

نمایش یک انسان عجیب در تهران قدیم

■ سیاه‌خان بوشهری، موجود عجیب‌الخلقه‌ای بود که از او به نام «فرد جن‌زده» یا «هیولا» یاد می‌کردند. این فرد به دلیل شرایط جسمی‌اش از انسان‌های عجیب در دنیا به شمار می‌رفت. براساس آنچه که در تاریخ ضبط شده اما در آن شکل بسیار است. وی نزدیک به سه متر قد (!) و ۲۵۰ کیلوگرم وزن داشته است و جمجمه‌ای به وزن ۷/۵ کیلوگرم داشت و تمام مهره‌های بدنش به گونه‌ای جوش خورده بود که امکان سر پا ایستادن را نداشت. وی در سال ۱۲۹۱ هجری خورشیدی در جنوب شیراز در روستایی با زایمان طبیعی به دنیا آمد که تا شش سالگی رشد طبیعی داشت اما از شش سالگی به بعد به طور ناگهانی و سریع، دچار رشد بدنی شد. به طوری که در ۹ سالگی، ۲۰ ساله به نظر می‌رسید. به دلیل فقر شدید خانواده سیاه‌خان و غیرعادی بودن وضع کودک آنها به شیراز مهاجرت کردند و در کنار خیابان‌ها و پیاده‌روها می‌نشستند. مردم به دور آنها حلقه می‌زدند و از سیاه‌خان می‌خواستند برایشان نمایش به صورت سیرک اجرا کند و گاه بعضی از تماشاچیان به او کمک‌های مادی مختصری به صورت صدقه می‌دادند. در این میان شخصی به نام خشورخان، سیاه‌خان را در سن ۱۹ سالگی در سال ۱۳۱۰ هـ‌ش به مبلغ شش هزار تومان کنترات کرد تا وی رادر پایتخت ایران (تهران) به نمایش گذارد. این اتفاق سروصدای زیادی کرد به طوری که سرمقاله‌های روزنامه‌های آن دوره همه از ورود سیاه‌خان به تهران یا مرد عجیب‌الخلقه در تهران نوشته بودند. ماشینی که وی را از شیراز به تهران آورد علاوه بر خود سیاه‌خان و خشورخان، دو مستخدم، یک مراقب و محافظ داشت. وی را در گاراژ فولادی پیاده کردند اما از ازدحام عجیب، جمعیت تماشاچی تمام گاراژ و خیابان‌های اطراف پر شده بود، به طوری که اداره پلیس مجبور شد محل موقتی در اداره نظمیه برای او معین کند و او را به نظمیه انتقال دادند که بعدها منزلی در خیابان علاءالدوله برای او و همراهانش در نظر گرفتند. خشورخان قرار بود بعد از اتمام نمایش وی در تهران، سیاه‌خان را با خود به اروپا ببرد چرا که در آن دوره عقیده داشتند که از تمام دنیا، اشخاص و چیزهای خارق‌العاده را برای تماشا به اروپا می‌آورند. اما به دلیل شرایط ناگوار جسمی‌اش این قصد عملی نشد و وی دوباره به شیراز بازگردانده شد و تحت نظر بنیانگذار و نخستین رییس دانشکده پزشکی شیراز دکتر قربان قرار گرفت. وی سرانجام به دلیل بیماری ذات‌الریه درگذشت و اسکلت وی به همت دکتر قربان در دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز در معرض بازدید عموم تا به امروز قرار گرفت.

رسوم تربیت فرزندان در تهران قدیم

از عقاید و رسومی که والدین در مورد تربیت فرزندان‌شان برای آینده در تهران قدیم رعایت می‌کردند که برخی از آنها همچنان پابرجاست حکایات جالبی دارد که ذکر چند نمونه از آنها خالی از لطف نیست.

نخستین موردی که پدر و مادر به فرزندان‌شان تاکید فراوان داشتند، دادن سلام بود که کوچک‌تر به هر بزرگ‌تر باید سلام بکند؛ چراکه می‌گفتند سلام، سلامتی می‌آورد یا اینکه حق تقدم دادن سلام با کسی است که به مکانی پا می‌گذارد و اگر کسی در آنجا حضور نداشته باشد، باز هم باید سلام گفت. سلام دادن مستحب و جواب آن واجب به شمار می‌رود.

از دیگر نکاتی که در امر تربیت بر فرزندان‌شان سخت می‌گرفتند، نظافت سر، روی، کفش و لباس بود که البته این امر بیشتر مورد رعایت اعیان و اشراف قاجاریه قرار می‌گرفت. البته عامه مردم نیز معتقد بودند باید در کل بهترین البسه را بر تن کنند؛ چراکه حضرت امام حسین(ع) در هنگام شهادت بهترین جبه خود را بر تن کرده بود.

از آداب لباس پوشیدن که به فرزندان‌شان یاد می‌دادند، این بود که هنگام عوض کردن لباس، دیگران نباید حضور داشته باشند و برای بیرون آوردن کفش و جوراب، نخست از پای چپ شروع کنند و هنگام پوشیدن، پای راست را مقدم بدارند تا هنگامی که کامل بدن‌شان را نپوشانیده‌اند از زمین بلند نشوند؛ چراکه نکبت و کراهت می‌آورد.

از آداب دیگری که والدین بر آن تاکید داشتند، غذا خوردن بود که قبل از غذا باید دست و صورت خود را شسته، اطراف دهان و انگشتان را از آلودگی پاک کنند و سپس بسم‌الله گفته و دو زانو بر سر سفره بنشینند تا بزرگ‌تر دست به طعام نزده، آنها نیز از غذا برداشتن اجتناب کنند و با سه انگشت سبابه، شست و وسطی لقمه بردارند و در هنگام غذا خوردن به دست و دهان دیگران نگاه نکنند و دولپی نخورند و هنگام خوردن، صدا از دهان و گلو درنیاورند و بعد از اتمام غذا الحمدالله بگویند و در راه کوچه، بازار و انظار مرم چیزی نخورده و دهان نجنبانند که مبادا طفل و گرسنه‌ای مورد رغبت و اشتها قرار گیرد.

از دیگر آداب مورد توجه، آداب مهمانی رفتن بود که در مهمانی‌ها تا از آنها دعوت به عمل نیامده پا نگذارند که بدون دعوت به خانه خدا نباید رفت و منظور از دعوت یعنی تا اذان که دعوت خداست، بوده که نوعی بی‌ادبی و عدم احترام محسوب می‌شد و اگر زمانی مهمان پا به خانه می‌گذارد، خست ننمایند؛ چراکه مهمان با خود روزی می‌آورد و غم و نکبت صاحبخانه را با خود خارج می‌کند.

به فرزندان‌شان می‌آموختند که احترام بزرگ‌تر خود را نگه دارند، حتی اگر طرف‌شان یک ساعت از او بزرگ‌تر بود. در سخن گفتن با بزرگ‌تر از خود، تعصب نشان ندهند و از خفت و تحقیر کردن دست بردارند و اینکه از همان آغاز کودکی به فرزندان‌شان می‌آموختند که حقوق پدر و مادر که از واجبات است را محترم شمارند و آنها را از خود راضی نگه دارند و بکوشند حتی به مرده‌شان نیز احترام گذارند، قبل از آنها ننشسته و بر سخنان‌شان اعتراض ننمایند و در حاجات و تنگدستی احسان کنند و بر این سخن تاکید فراوان داشتند که دعای خیر و پدر و مادر به دنبال‌شان است و موجب سعادتمندی می‌شود و اگر نفرین پدر و مادر همراه‌شان باشد، باعث تنگ‌دستی، غم و رنجش فراوان و بی‌آبرویی آنها می‌شود.

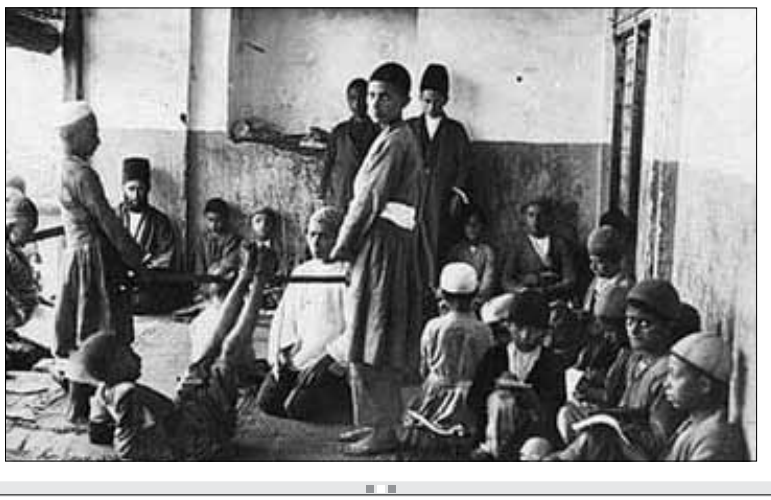

جدول ۱۲۴۳

افقی:

۱- مجموعه طنز تلویزیونی به کارگردانی سعید آقاخانی - کالبد شکافی ۲- اثر حماسی «هومر» - جاده درون شهر ۳- آقای اسپانیولی - کمک متقابل - سخن چینی‌ها ۴- اسب اضافه و زین کرده آماده - چگونگی - پلی که بر روی رودخانه بندند - اولین دو رقمی ۵- نوبت و دفعه - صدایی در موسیقی - مسیر اصلی ۶- بندری در استان بوشهر - صدمه - داستان کوتاه به شیوه جدید ۷- ورزش خشن با توپ بیضی شکل - در حال یادگیری کار است - اشاره دور ۸- پاسخ مثبت - دولتشهری در جوار شهر رم، مقر حکومت پاپ - شبگرد و پاسبان ۹- قیمت واحد - گرداگرد - زبان مردم جمهوری آذربایجان ۱۰- وسیله برف روبی - نفس آدم چاق - گلزن اسپانیایی شالکه آلمان ۱۱- شهری در استان کرمان - نوعی کاغذ - دیوار دور شهر ۱۲- باب - اشاره نزدیک - نمایش خنده‌دار - از سوره‌های طولانی قرآن مجید ۱۳- از گیاهان دارویی - شهر انوری شاعر و عارف ایرانی - پول ساموراییها ۱۴- قلندران - ویژگی نانی به صورت نو و غیرسنتی ۱۵- سرپا مانده - بیماری پشه آنوفل

عمودی:

۱- پرتونگاری - کنیز خانه پرورده ۲- دوراندیشی - مهتری و ریاست ۳- دانه خوشبو - کلاف نخ - عدد هندسی - ناامیدی ۴- خون بها - خطاب بی‌ادبانه - چتر نجات ۵- سرباز پیاده نظام تیرانداز - ایالتی در آمریکا، مرکز نخستین جنبش استقلال‌طلبان آمریکاییان ۶- رادار - قافله - واقع گشت ۷- پایتخت پیشین قزاقستان ۸- خواب کوتاه - شبه جزیره‌ای در جنوب اوکراین - پرنده خرامان ۹- علم اقتصاد ۱۰- واحد سیگار - خانه با اهل و عیال - سست پیمان، دوست ناپایدار ۱۱- تیم قدرتمند فوتبال هلند - رشته‌ای در شنا ۱۲- بازیگر فیلم‌های «متولد چهارم ژوییه» و «ماموریت غیرممکن» - طاقت - قله‌ای در زاگرس ۱۳- بیماری خطرناک - زائو ترسان - لخت - آغشته به آب ۱۴- سوره پنجم قرآن - کارگردان «دارودسته‌های نیویورک» به بازیگری «دی کاپریو» ۱۵- منبل دارو - ایالتی در آمریکا

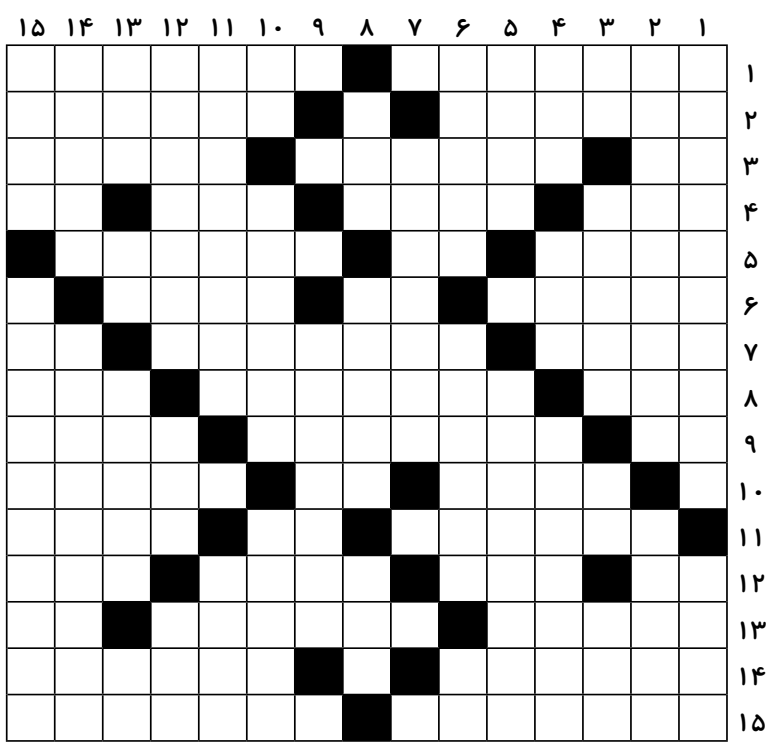

حل جدول ۱۲۴۲

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	م	ق	ب	ر	ه	ا	ل	ش	ع	ر	ا	■	ا	ق	ا
۲	ا	ی	ر	ا	ن	ش	ه	ر	■	ت	و	ر	ب	ی	ن
۳	ر	ا	و	ی	■	و	ر	ق	ا	■	ا	س	ت	ا	ت
۴	ش	م	ن	■	ق	ر	ا	■	ه	د	■	م	ک	ف	ی
۵	ا	ت	■	ا	و	ی	س	ق	ر	ن	ی	■	ا	ه	م
۶	ل	■	ه	ن	ر	■	ب	ی	م	■	و	ت	ر	■	و
۷	■	ز	و	ب	ی	ن	■	ل	■	ک	م	ا	■	پ	ا
۸	ا	ح	ی	ا	■	ا	ی	و	ا	ن	■	ک	م	ا	ن
۹	ب	ل	■	ر	ا	م	■	ق	■	س	ر	ت	ی	پ	■
۱۰	د	■	خ	ی	ر	■	ت	ا	ب	■	ا	ی	ش	■	پ
۱۱	ر	و	ش	■	ک	ا	ر	ل	چ	ا	ب	ک	■	ر	ی
۱۲	م	ا	ک	ت	■	چ	ا	ه	ل	و	■	د	و	ر	ر
۱۳	ا	ر	ب	ی	ل	■	س	ا	ن	ح	■	ب	ر	ن	ا
۱۴	ن	ی	ا	ک	ا	ن	■	ش	ن	ا	س	ن	ا	م	ه
۱۵	ی	س	ر	■	ر	س	ا	ل	ه	د	ل	و	ج	ا	ن

سودوکو ۲۵۱

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

						۷		۱
				۷			۶	۸
						۹	۳	
	۱		۷	۵			۹	
۶		۳		۹				۷
		۹	۴					
		۵		۱	۳		۲	
۲	۸		۹					
۳		۶	۵		۸		۷	۴

حل سودوکو ۲۵۰

۹	۳	۵	۴	۶	۷	۱	۸	۲
۷	۱	۲	۳	۸	۹	۴	۶	۵
۸	۶	۴	۱	۲	۵	۹	۳	۷
۱	۵	۷	۶	۳	۴	۲	۹	۸
۴	۸	۳	۷	۹	۲	۶	۵	۱
۲	۹	۶	۸	۵	۱	۷	۴	۳
۶	۴	۱	۵	۷	۸	۳	۲	۹
۳	۲	۸	۹	۱	۶	۵	۷	۴
۵	۷	۹	۲	۴	۳	۸	۱	۶